



بصیرت

ویژه دانشجویان جدید الورود

مهرماه 89

بسمه تعالی

در آستانه سی‌امین سالگرد شروع دفاع مقدس و همزمان با آغاز مهرماه و بازگشایی مراکز آموزش عالی و حوزه‌های علمیه و مدارس و یافتن نشاط، نیرو، انگیزه و توانی مضاعف برای کار و تلاش مجدد، مروری بر اوضاع ایران و جهان علاوه بر ایجاد نگاهی تیزبینانه‌تر به آینده و بصیرت‌افزایی، می‌تواند رسالت و مسئولیت خطیر ما را در این مرحله از تداوم حیات انقلاب و نظام اسلامی نمایان‌تر سازد. برادران و خواهران شما در قسمت بسیج اساتید و بسیج دانشجویی قدوم شما را گرامی داشته، آشنایی و همکاری با شما را ارج نهاده و به آن افتخار می‌کنند.

چکیده ای از بیانات مقام معظم رهبری در جمع اساتید و دانشجویان؛ در 31 مرداد 1389 هجری شمسی (11 رمضان المبارک 1431 ه. ق.)

تقوا در جوانی

دل های جوانان پاک و نالوده است؛ این دل پاک و زلالتان را هرچه می توانید، با منبع عظمت، حقیقت و زیبایی - یعنی ذات مقدس باری تعالی - پیوند دهید و نزدیک کنید. اگر موفق شدید، تا آخر عمر زندگی سعادتمندانه خواهید داشت؛ اگر حالا موفق نشوید، هر چه جلوتر می روید سخت تر می شود؛

توجه: اغلب لغزش هائی که در عرصه های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی - اعم از مدیریت ها، امور مالی، جهاد و ... - برای انسان ها پیش می آید ناشی از رعایت نکردن همین نکته ی اصلی و مهم (یعنی داشتن تقوا در دوران جوانی) است.

مثال: در جنگ احد همان طور که می دانید عده ای کوتاهی ای کردند که فاجعه آفرید. قرآن درباره ی این افراد می فرماید: «انَّ الَّذِینَ تَوَلَّوْا مِنْکُمْ یَوْمَ التَّقِی الْجَمْعَانِ اِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّیْطَانُ بَعْضُ مَا کَسَبُوا». (1) حاصل ترجمه این است: آن کسانی که روز جنگ احد آنطور به دشمن پشت کردند و فاجعه آفریدند و موجب شهادت حمزه ی سیدالشهداء و بزرگانی از اصحاب شدند، لغزش آنها را شیطان از ناحیه ی آنچه که قبل ها انجام داده بودند - یعنی گناهانشان در دوران جوانی - زمینه سازی کرد؛

راه پیوند با خداوند متعال

با یک نوع حرکت غیرعادی و غیرمعمولی نمی توان به آن قله‌های پیوند با خداوند رسید؛
آنهایی که در آن قله‌ها مشاهده می کنید، از همین راه ها عبور کردند. این راه ها چیست؟
قدم اول (مهم ترین قدم): ترک گناه. گفتنش آسان است، عملش سخت؛ اما ناگزیر
است. دروغ نگفتن، خیانت نکردن، از لغزش های گوناگون جنسی و شهوانی پرهیز کردن، و به
طور کلی از گناهان دست کشیدن.

توجه: تمرین و استقامت در ترک گناه در دوران جوانی نقش مهمی در منحرف نشدن در
فراز و نشیب های زندگی دارد.

قدم دوم: انجام واجبات. و از همه‌ی واجبات مهم تر، نماز است. «و اعلم ان کل شیء من
عملک تبع لصلاتک»؛ (2) همه‌ی کار انسان تابع نماز است. نماز را به وقت، با توجه و با حضور
قلب بخوانید.

معنای حضور قلب در نماز: حضور قلب یعنی بدانید که دارید با مخاطبی حرف می زنید؛
اگر این حالت را در خودتان تمرین کردید و توانستید این تمرکز را ایجاد کنید، تا آخر عمر برای
شما می ماند. و اگر حالا نتوانید هرچه بگذرد سخت تر می شود.

این همان صلاتی است که: «تهی عن الفحشاء والمنکر» (3).

«تهی» یعنی شما را نهی می کند؛ معنایش این نیست که مانعی جلوی شما می گذارد که
شما دیگر نمی توانید گناه کنید؛ نه، یعنی دائم به شما می گوید گناه نکن. و اگر روزی چند نوبت
از درون دل انسان به او بگویند گناه نکن، انسان گناه نمی کند.

روژه ماه رمضان خیلی مغتنم است؛ مبارزه‌ی با گرسنگی، تشنگی، گرما و سختی‌هایی که
انسان دارد.

قدم سوم: انس با قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و دعا و نافله و نماز شب و ...

اختلاف نظر در بسیاری از مسائل نظری و اجتماعی شوق انگیز است.

همین که نظرات گوناگونی در زمینه‌های واحدی مطرح می شود خوب است، هر نظری
استدلال و طرفدارانی دارد؛ این عرصه‌ای است برای فکر کردن، ژرف‌گرائی و ژرف‌یابی و به
حقیقت رسیدن. ... اختلاف نظر هست؛ اما اختلاف نظر فاجعه نیست.

ما طرفدار آزاداندیشی هستیم اما ...

آزاداندیشی باید در جلسات تخصصی متناسب با هر بحث انجام شود؛ دو نفر، پنج نفر، ده نفر بیایند آنجا با همدیگر بحث کنند؛ بحث‌ها می‌تواند پیرامون مسائل سیاسی، معارف اسلامی، تفکرات مکاتب گوناگون جهان، مسائل علمی و ... باشد. در محیط‌های عمومی جای آن بحث‌ها و مناظره‌ها نیست. در جلسات عمومی و در صدا و سیما آن کسی که حق است، لزوماً غلبه خواهد کرد؛ آن کسی غلبه خواهد کرد که بیشتر عیاری کار دستش است و می‌تواند بازیگری کند؛

این هم معنایش این نیست که نظری به جامعه تحمیل می‌شود؛ نه، بلکه یک فکر حق مطرح می‌شود؛ «ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن». (4) این حکمت و موعظه حسنه و مجادله احسن برای چیست؟ «ادع الی سبیل ربک» (دعوت به سمت خدا) یک اصل موضوع است. در عین حال که دعوت باید با زبان درست انجام بگیرد، جهت دعوت نیز باید مشخص باشد. چرا که دولت‌ها مسئول هدایت افکار مردم هستند.

پرسشگری دانشجو

دانشجو باید سوال کند، البته سوال نباید مخلوط به معارضه شود. پیش از سوال قضاوت هم نکنید. بهترین روش سؤال و پاسخ هم این است که مسئولین در مجموعه‌های دانشجویی حاضر شوند. و به سوالات دانشجویان پاسخ قانع کننده بدهند. مثلاً در بحث مردمی کردن اقتصاد و اصل 44 آقایان مدعی‌اند که اصل 44 را خوب دارند اجرا می‌کنند. خوب، مسئولین در مجامع دانشجویی بیایند و اگر واقعاً کاری انجام شده، بگویند و ذهن جوان را قانع کنند؛ اگر هم نمی‌توانند قانع کنند، بالاخره بروند یک تجدید نظری در کار انجام بدهند.

وحدت یا خلوص؟

یک سؤال این است که بعضی‌ها می‌گویند وحدت، بعضی‌ها می‌گویند خلوص؛ شما چه می‌گویید؟ من می‌گویم هر دو. به بهانه‌ی اینکه می‌خواهیم خالص کنیم نباید افراد ضعیف‌الایمان را از دایره خارج کنید؛ طریقه خالص کردن این نیست. بلکه برای توسعه دایره خلصین هرچه می‌توانید کاری کنید که افراد خالصی که می‌توانند جامعه‌ی شما را خالص کنند، در جامعه بیشتر شوند؛ از خودتان شروع کنید؛ دور و بر خودتان، خانواده‌ی خودتان، دوستان خودتان، تشکل خودتان، بیرون از تشکل خودتان. هرچه می‌توانید، در حوزه‌ی نفوذ تشکل خود، برای

بالا آوردن میزان خلوص های فردی و جمعی تلاش کنید؛ که نتیجه‌ی آن، خلوص روزافزون جامعه‌ی شما خواهد شد. راه خالص کردن این است.

منظور من از وحدت، اتحاد بر مبنای اصول و از این رو با آن کسی است که این اصول را قبول دارد. به همان اندازه‌ای که اصول را قبول دارند، به همان اندازه ما با هم مرتبط و متصلیم؛ این می‌شود ولایت بین مؤمنین. آن کسی که نشان می‌دهد یا تصریح می‌کند که اصول را قبول ندارد، قهراً از این دایره خارج است.

نظر رهبری صریحاً اعلام می‌شود - در آشکار و نهان یکسان است

مبادا کسی تصور کند که رهبری یک نظری دارد که برخلاف آنچه که به عنوان نظر رسمی مطرح می‌شود، در خفا به بعضی از خواص و خلصین، آن نظر را منتقل می‌کند که اجرا کنند؛ مطلقاً چنین چیزی نیست. نظرات و مواضع رهبری همین است که صریحاً اعلام می‌شود.

عدم تولید کالای فرهنگی مناسب

کالاهای فرهنگی تولیدی ما رسا و مناسب با عدالت نیست. با اینکه ما هنرمند خوب، نویسنده‌ی خوب، و بازیگر خوب داریم، اما نمایش متناسب با خواسته‌های فرهنگی‌مان کم به وجود می‌آید. لازم است مدیریت های فرهنگی یک مقداری در این زمینه‌ها بیشتر کار کنند. البته در بعضی از دوره‌ها، بعضی از زیرساخت های اعتقادی و فرهنگی ما نه فقط درست نشده، حتی تخریب هم شده! خوب، حالا باید اینها را روبه‌راه کنند.

اصل 44

مسائل فرهنگی و بهداشتی و مانند آن، به آن شکل مشمول این اصل خصوصی‌سازی نمی‌شود.

تهاجم به کوی دانشگاه

من دنبال مسئله‌ی تهاجم به کوی دانشگاه بودم و هستم. البته حرکت کند بوده، پیش نرفته؛ باید پیش برود و ان‌شاءالله هم خواهد رفت؛ در این باره عزم جدی و انگیزه‌ی کافی در برخی مسئولین وجود ندارد.

دانشجویان نیز باید منضبط و نقدپذیر باشند

گفته می شود که در دانشگاه‌ها برخوردهای انضباطی و امنیتی صورت می گیرد. من نمی دانم چه جور برخورد تندی از لحاظ انضباطی و امنیتی در دانشگاه شده، اما این را می دانم که بالاخره در دانشگاه انضباط و امنیت لازم است. نمی شود محیط دانشگاه را رها کرد و از نظر دور داشت زیرا دانشگاه آماج خیلی از توطئه‌های دشمن است. البته تندروری و زیاده‌روی در هیچ کاری خوب نیست؛ از جمله در این کار.

اختلاف مسئولین علنی نشود

اشکال بر علنی شدن اختلافات مسئولان، وارد است؛ بنده هم این اشکال را به این آقایان دارم و به آنها هم گفته‌ام؛ اوقات تلخی هم با آنها کرده‌ام.

لزوم تحول در علوم انسانی

اساتید و صاحب‌نظران و پژوهشگران و محققین باید به دنبال تدوین علوم انسانی منطبق با مبانی اسلام بروند؛ یعنی علوم انسانی‌ای که بر اساس فلسفه‌های نادرست و غلط مادی شکل نگرفته باشد؛ همچنان که امروز علوم انسانی غربی این گونه است. بالاخره اگر علوم سیاسی یا اقتصادی یا فلسفه یا مدیریت و بقیه‌ی علوم انسانی، مبتنی بر نگرش مادی به دنیا باشد و با ارزش‌های مادی بنا شده باشد، طبعاً نمیتواند خواسته‌ها و آرمان‌های جامعه‌ای را که مسلمان و مؤمن به معارف اسلامی هستند، برآورده کند.

توصیه‌هایی به تشکل‌های دانشجویی:

وحدت درونی و بیرونی

وقتی مبانی و اصول معرفتی یکی است انشعاب و اصطکاک چرا؟ اختلاف سلیقه را مایه جدایی بین خودتان قرار ندهید.

1- موضع گیری و ارائه تحلیل در مسائلی که با سرنوشت کشور در ارتباط اند.

بیانیه‌ی تهران مسئله‌ی مهمی بود؛ همچنین قطعنامه‌ی 1929 شورای امنیت که علیه جمهوری اسلامی صادر شده، یا تحریم‌های یکجانبه‌ی آمریکا و اروپا که علیه ایران شکل گرفته؛

2- تقویت مبانی معرفتی

مجموعه‌ی تشکل‌ها تقویت مبانی معرفتی را جدی بگیرند تا بعد، از تشکلها سرریز بشود روی مجموعه‌ی دانشجوها. تقویت مبانی معرفتی خیلی لازم است. ضعف این مبانی، ضررهای بزرگی به مجموعه‌ی دانشجویی کشور و مجموعه‌ی تشکل‌ها خواهد زد.

3- لزوم ارتباط تشکل‌ها با بدنه‌ی دانشجویی و اساتید ارزشی در مناسبت‌های مختلف در طول سال

• این دهه، دهه‌ی پیشرفت و عدالت نامیده شده است. خوشبختانه روند پیشرفت در کشور، در زمینه‌های مختلف - علمی، فناوری، سیاسی، اخلاقی و ... - روند خوب و مطلوبی است. لاقلاً زیرساختهائی برای کارهای بزرگ و جهش‌ها دارد فراهم می‌شود. روند عدالت هم خوب است. در این مورد هم حداقل این است که این تفکر دارد همه‌گیر می‌شود؛ اما ما به این مقدار پیشرفت در زمینه‌ی عدالت قانع نیستیم؛

• جوان‌های ما امروز از ده سال پیش خیلی بهتر و آماده‌ترند. **خودتان را برای امتحان‌های دشوار آماده کنید.** ما داریم پیش می‌رویم. اعتقاد من این است، و همه‌ی دلائل و شواهد دال بر آن است که طی این سی و یکی دو سال، نظام سرمایه‌داری، آمریکا و دشمنان ملت ایران رو به ضعف رفتند. هیچ نشانه‌ای هم وجود ندارد که مجدداً این منحنی از طرف آنها به طرف صعود حرکت کند؛ بعکس، نشانه‌های زیادی وجود دارد که منحنی رو به صعود تفکر اسلامی، ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی همچنان با شیب تندتری ان‌شاءالله رو به صعود خواهد رفت.

(2) نهج البلاغه، خطبه‌ی 27
(4) نحل: 125

(1) آل عمران: 155
(3) عنكبوت: 45

دانشجو، انقلاب، آرمان ها

محمد افضلی - عضو هیات علمی دانشگاه قم

دهها سال از پایان جنگ دوم جهانی (1939-1945) با آثار بسیار ویرانگر آن در جهات مختلف از جمله تلفات انسانی آن به تعداد 29 میلیون نفر کشته می‌گذشت و نظام دو قطبی حاصل از وقوع این جنگ تثبیت شده بود. رقابت بین دو ابرقدرت آن زمان (آمریکا و شوروی) در قالب جنگ سرد ماهیت هیچ کدام را تهدید نمی‌کرد و درگیری بین دو ابرقدرت بسیار محدود و عمدتاً منطقه‌ای بود. بدین ترتیب آنها بر سرنوشت ملتها و کشورها حاکم بودند و این ملتها و کشورها و حتی روشنفکران و صاحبان اندیشه آنها نیز به یکی از این دو قطب گرایش داشتند لذا امید به آزادی و تلاش برای خروج از این بن‌بست وجود نداشت. در این میان ایدئولوژی الحادی و مادیگرایی کمونیسم که در ابتدا تهدید بزرگی برای منافع کاپیتالیسم و لیبرالیسم و حاکمیت سرمایه‌داری شناخته میشد با گذشت زمان و علنی شدن ناکارآمدی آن رو به افول گذاشت و ایده‌ها و عقاید به ظاهر انقلابی لنین و استالین دیگر نمی‌توانست پشتوانه فکری و اعتقادی روشنفکران باشد و در نتیجه جاذبه شرق در جهان سوم رو به زوال گذاشت. برای همین نیز استکبار غرب از تهاجم فرهنگی رقیب آسوده خاطر شد و در رقابت، اندیشه و تفکرهای خود را به گسترش حیطة نفوذ و سلطه داد.

منطقه خاورمیانه با توجه به منابع عظیم نفت و گاز و نیز موضوع امنیت رژیم جعلی و صهیونیستی اسرائیل و رژیم طاغوتی حاکم بر ایران در هم‌پیمانی با اسرائیل، دستمایه حضور آمریکا برای تضمین و تامین نفت بلوک غرب و همچنین ضرورت پشتیبانی از رژیم اسرائیل و رژیم ایران، این حضور غرب سبب واکنش شوروی با تحریک رژیم بعث عراق و تحرکات مرزی

بود که نهایتاً با قرارداد الجزایر پایان یافت. سرسپردگی بیش از حد رژیم پهلوی به آمریکا و اسرائیل، واکنش علمای دین و مردم مسلمان و متدین ایران را برانگیخت و زمینه یک جنبش مردمی را فراهم نمود که با روشنگری روحانیت و به دلیل وجاهت دینی و حوزه نفوذی که به لحاظ پراکندگی مساجد در اقصی نقاط کشور و تبلیغ در ایام ماههای محرم و صفر وجود داشت مردم آگاه شده و با تالیف قلوب توسط هدایت‌های امام خمینی و مواضع ضد استکباری ایشان، به تدریج رهبری یک نهضت انقلابی فراهم شد که با قیام 15 خرداد شروع شد و تا بهمن 57 ادامه یافت. شعار انقلاب پایان دادن به سلطه استکبار و محو غده سرطانی اسرائیل بود که از قیام امام حسین نشأت می‌گرفت.

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری جمهوری اسلامی فصل جدیدی در فضای فکری و اندیشه‌ای محدود جهان گشوده شد. نقطه اوج این رویداد این بود که انقلاب اسلامی ایران نه تنها هیچ شباهت و وابستگی به دو اندیشه و الگوی لیبرالیستی و سوسیالیستی نداشت بلکه طرحی نو و پویا مبتنی بر اسلام ناب محمدی ارائه نمود. به همین علت انقلاب اسلامی باعث شد میدان منازعه دو ابرقدرت، به عرصه تقابل و نزاع بین اندیشه و تفکر انقلاب اسلامی ایران از یک سو و اندیشه و تفکر استکبار جهانی به سرکردگی لیبرالیسم آمریکا و سوسیالیسم شوروی از سوی دیگر گردد. نتیجه آن که استکبار جهانی و در راس آن آمریکا که مدعی دموکراسی و آزادی بیان بود به موازات به راه انداختن جنگ روانی و تبلیغاتی شدید و نابرابر علیه انقلاب، تمامی تلاش خود را برای نابودی انقلاب و جلوگیری از اشاعه و ترویج اندیشه و تفکر انقلاب اسلامی به کار بندد و از طرف دیگر، اسرائیل و کشورهای مرتجع عرب به دلیل فقدان مشروعیت مردمی، از پیروزی انقلاب اسلامی احساس نگرانی کرده و از تاثیر آن بر مسلمانان منطقه هراسان شوند. بر همین اساس، از نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ضمن حمایت از گروههای ضد انقلاب خصوصاً در استانهای همجوار و طرح نقشه‌های متعدد براندازانه، از آشوبهای خیابانی و جنگ مسلحانه داخلی توسط گروههای مخالف و قومیت‌گرا تا کودتای نظامی و حمله نظامی به طبرس و در نهایت تحریک رژیم بعث عراق به مقابله با انقلاب نوپای اسلامی دست یازیدند. لذا از 1357/12/21 یعنی تنها یک ماه پس از پیروزی انقلاب تا زمان آغاز جنگ تمام عیار در 1359/6/30، طی 2257 مورد عملیات و تحرکات مرزی، علیه ایران وارد عمل شده و سرانجام با استفاده از شرایط ظاهراً مساعد داخلی ایران، شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، سکوت معنادار مجامع جهانی، حمایت‌های سیاسی و تبلیغاتی و نظامی قدرتهای

جهانی، پشتیبانی‌های سیاسی و مالی عمده کشورهای منطقه و نیز برخورداری از ارتشی قوی و آموزش دیده و مجهز به سلاح و تجهیزات پیشرفته، صدام حسین بعثی قرارداد الجزایر را پاره نمود و در 31 شهریور 1359 از زمین و هوا و دریا با هدف سقوط نظام اسلامی ایران جنگ تمام عیاری را آغاز نمود.

عراق در نخستین روزهای حمله به ایران توانست به عمده اهداف فیزیکی خود در مناطف مرزی دست یابد اما روح انقلابی و آرمانهای جوانان انقلاب که دست بیعت به رهبرشان داده بودند نطفه‌ای را شکل دادند و حماسه‌هایی را آفریدند که برتر و والاتر از همه حماسه‌هایی بود که ملت ایران در طول تاریخ خود آفریده بود؛ حماسه‌هایی مقدس و معنوی که از درون فرهنگی زایا و ریشه دار و باورهای ژرف اعتقادی و اسلامی ملتی مومن سرچشمه گرفت و نام دفاع مقدس را بر خود نهاد؛ عملیات‌های بیت‌المقدس، خیبر، والفجر 8، کربلای 5 و دهها عملیات کوچک و بزرگ دیگر، سرشار از حماسه‌هایی بودند که توسط خیل عظیمی از جوانان و نوجوانان، مانند شهید فهمیده، شهید باکری، شهید همت، ... خلق شدند. سرانجام، این جنگ با پذیرش قطعنامه 598 از سوی ایران در تاریخ 27 تیر 1367 خاتمه یافت.

خداوند متعال هم به خاطر اخلاص ملت ایران در این انقلاب و دفاع مقدس، زمینه‌ای را پیش آورد که به فرموده معمار کبیر انقلاب، این جنگ برای ما دانشگاه شده بود و تحریم‌ها نیز خودکفایی را به همراه آورد. امروز که سی سال از آن تهاجم ناجوانمردانه می‌گذرد ملت ایران با جوانان پرشور، با استعداد و آرمانگرایی خود و نیز با کمک چهره‌های فرهیخته و نخبگان توانسته است روحیه‌های خودباوری و شکوفایی و نوآوری در تولید علم در عرصه‌های مختلف و مهمی نظیر چرخه‌های انرژی هسته‌ای، صنایع هوا و فضا، پزشکی هسته‌ای، نانو تکنولوژی، شبیه سازی حیوانات، سلولهای بنیادی، ... را به منصف ظهور برساند. این دستاوردها نتیجه تلاش شبانه روزی جوانان آرمانخواه، دانشجویان عزیز با استعداد، اساتید فرهیخته و با انگیزه و مسئولان دلسوز و برنامه ریز دهه چهارم انقلاب است که دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری شده است. اکنون تولید علم به مرحله عمل و کاربردی شدن رسیده و انجام تحقیقات کاربردی در عرصه‌های گوناگون، از جمله تحول در علوم انسانی و تدوین متون آموزشی با الهام از اتاق فکر سیال و سیار نظام جمهوری اسلامی ایران، پژوهشگران و تحقیقات علمی را به عنوان عقبه فکری و علمی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مبدل ساخته و گوی سبقت را از کشورهای استکباری در تولید علم ربوده، و تولیدات علمی خود را در راه رفاه و سعادت جامعه خود و سایر

ملل جهان قرار داده است. لذا این مهم یک عزم ملی و همه جانبه را می‌طلبد تا حماسه‌ای بزرگتر از حماسه‌های انقلاب و دفاع مقدس را در زمینه تولید علم و جنبش نرم‌افزاری ایجاد نماید. و این میسر نمی‌شود جز با الهام از فرهنگ غنی اسلام ناب محمدی؛ بقای هر جامعه به فرهنگ آن است و بنیان فرهنگ نیز به ارزشهای آن جامعه است، یعنی چیزی که شکل دهنده و تعیین کننده حدود رفتار آن جامعه است.

در جهان امروز اگر غرب با فناوری پیشرفته‌اش شناخته می‌شود شرق نیز با معنویت، انسانیت، اخلاق، عاطفه، فلسفه و حکمتش شهرت دارد و این همان چیزی است که باید مد نظر جوانان این مرز و بوم باشد؛ آمیختن پیشرفت و عدالت به ذائقه دشمنان خوش نمی‌آید و همواره آنان را به صف آرایی می‌کشاند؛ آنها برای از بین بردن ریشه‌های اعتقادی ما فرهنگ ما را نشانه گرفته‌اند و به نشانه خشم خویش، به سوزاندن کلام الهی روی آورده‌اند، اما نمی‌دانند که کلام الهی حق است و سرانجام این نبرد، پیروزی حق و جنود الهی است فقط باید کوشید و صبر کرد، چرا که *ان الله مع الصابرين*.

در جهان امروز چه می‌گذرد؟ (مروری بر روابط بین‌المللی)

دکتر عبدی پور - عضو هیات علمی دانشگاه قم

پایان جنگ جهانی دوم که به واسطه جاه‌طلبی برخی قدرت‌های جهانی منجر به کشتار و آوارگی ده‌ها میلیون انسان و نابودی هزاران شهر و روستا گردید، می‌توانست سرآغاز فصل جدیدی در زندگی انسان به اصطلاح متمدن باشد، تا با تنظیم قواعد رفتار در سطح بین‌الملل، روابط کشورها و رفتار دولتها مبتنی بر احترام متقابل و رعایت حقوق ملتها باشد، اما متأسفانه با وجود توسعه قواعد حقوق بین‌الملل و تشکیل سازمان ملل متحد به‌جای جامعه ملل سابق، به دلیل پیش‌بینی جایگاه انحصاری و حق وتو برای پنج کشور پیروز جنگ جهانی دوم یعنی آمریکا، شوروی، چین، انگلیس و فرانسه در رکن اجرایی سازمان ملل یعنی شورای امنیت، این سازمان عملاً به جای تامین صلح و امنیت و عدالت در جهان، تامین‌کننده منافع قدرت‌های بزرگ گردید. تحول بین‌المللی دیگر پس از جنگ جهانی دوم افزایش تعداد کشورهای سوسیالیستی و گسترش قلمرو جغرافیایی بلوک کشورهای سوسیالیستی بود و متأسفانه چندین دهه جهان شاهد رقابت و زورآزمایی کشورهای دارای اقتصاد سرمایه‌داری موسوم به بلوک غرب به سرکردگی آمریکا و کشورهای سوسیالیستی موسوم به بلوک شرق به سرکردگی شوروی سابق بود و وضعیت جنگ سرد ناشی از این تقابل، منجر به گسترش رقابت نظامی و افزایش تسلیحات هسته‌ای در جهان گردید که علی‌رغم فروپاشی بلوک شرق کماکان آثار آن در زرادخانه‌های روسیه و آمریکا کاملاً مشهود است.

تقسیم‌بندی دیگر کشورها در قرن بیستم که متأسفانه علی‌رغم گذشت یک دهه از قرن بیست و یکم کماکان وجود دارد، تقسیم کشورها به توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته

است که شاهد گویایی از بی عدالتی فاحش حاکم بر جهان کنونی و بشریت به اصطلاح متمدن امروز است. گروهی از کشورهای غربی که به واسطه انقلاب صنعتی و پیشرفت نسبی در علم و فناوری از یک طرف و سرمایه‌های ناشی از استعمار و غارت کشورهای تحت سلطه خود، به رشد اقتصادی چشم‌گیری دست یافته بودند، به مدد قدرت اقتصادی و توانایی‌های تکنولوژیکی و نیز به کارگیری اهرم‌های فشار نظامی، سیاسی در روابط خود با کشورهای کمتر توسعه یافته، در جهت حفظ وضع موجود همواره تلاش نموده و می‌کنند. زیرا جریان اقتصاد جهانی که علی‌الظاهر اقتصاد آزاد نامیده می‌شود در واقع جریان صدور مواد خام (اعم از نفت و گاز و مواد معدنی و محصولات کشاورزی) از کشورهای کمتر توسعه یافته به کشورهای پیشرفته صنعتی از یک طرف و واردات بی‌رویه تولیدات صنعتی از کشورهای صنعتی است. این رابطه اگر چه مبتنی بر داد و ستد و تبادل مواد خام با فرآورده‌های صنعتی است اما موجب استثمار کشورهای کمتر توسعه یافته توسط کشورهای توسعه یافته است به گونه‌ای که کشورهای صنعتی مواد خام کشورهای کمتر توسعه یافته یا توسعه نیافته را به قیمت بسیار ارزان خریداری نموده و همان‌ها را تبدیل به کالا و تولیدات صنعتی نموده و به قیمت چند صد برابر و گاه چند هزار برابر می‌فروشند و از آنجا که حفظ وضع موجود به نفع بنگاه‌های اقتصادی و کمپانی‌های بزرگ کشورهای توسعه یافته است از هر کوششی در حفظ این وضعیت که منجر به استثمار بی‌عدالتی در جهان شده فروگذار نبوده و با استفاده از قدرت و نفوذ سیاسی، نظامی خود سعی در تداوم نظام ناعادلانه روابط بین‌المللی موجود دارند.

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سال 57، نقطه عطفی در تاریخ ملت ایران بود که با اهداف و آرمان‌های بلند خود موجب تحول و دگرگونی عمیق داخلی و بین‌المللی گردید. از آنجا که یکی از آرمان‌های بلند ملت انقلابی ما استقلال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی بوده و هست، در طول سه دهه اخیر مسئولین کشور در تحت ارشادات امام راحل (ره) و رهبر فرزانه انقلاب در جهت قطع وابستگی‌ها همواره تلاش نموده‌اند. پس از قطع نفوذ سیاسی نظامی ابرقدرتها بر کشور عزیزمان در همان سالهای اولیه و تعطیل نمودن لانه جاسوسی آمریکایی‌ها، استقلال سیاسی کشور تامین گردید و دولت جمهوری اسلامی ایران بر اساس سیاست نه شرقی نه غربی و نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، روابط خود را با کشورهای دیگر تنظیم نموده است و تلاش بی‌وقفه برای قطع وابستگی‌های اقتصادی و رشد علمی و تکنولوژیکی ادامه دارد.

اما طبیعی است ابرقدرتها به ویژه آمریکا که بواسطه انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در کشور عزیزمان ایران، منافع عظیمی را از دست داده بودند به توطئه‌ها و اقدامات خصمانه علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی پرداخته و کماکان ادامه می‌دهند. دلیل دیگر خصومت کشورهای غربی علیه کشور ما، انعکاس طنین عدالت خواهی در روابط بین المللی و الگو گرفتن ملت‌های اسلامی از آرمان‌های انقلاب اسلامی است ضمن آن که حمایت ایران از کشورهای ضعیف و ملت‌های تحت ستم همانند مردم ستمدیده فلسطین، خشم جهان خواران را علیه دولت و ملت ایران برانگیخته است.

دلیل اعمال فشارهای گسترده بر کشور ما توسط قدرت‌های جهانی در سالهای اخیر به بهانه پرونده هسته‌ای، چیزی جز دشمنی و خصومت آمریکا و هم پیمانانش با ملت ایران نیست. زیرا از لحاظ حقوقی مطابق معاهده NPT فعالیت‌های صلح آمیز هسته‌ای از جمله استفاده از انرژی هسته ای و تهیه سوخت هسته‌ای از حقوق مسلم کشورهای عضو همانند ایران است. و در حالیکه دولت غاصب اسرائیل در طول سه دهه اخیر به صورت غیرقانونی دهها بمب و کلاهک هسته‌ای تولید نموده است، شاهد اعمال تحریم‌های متعدد توسط کشورهای غربی علیه ایران عزیز هستیم.

دولت آمریکا که تامین منافع خود را در ایجاد تنش در سطح جهان می‌داند و در سطح داخلی نیز ترسیم یک خطر بین‌المللی ولو بصورت صوری و فرضی را برای ادامه سیاست‌های خود ضروری می‌داند، پس از فروپاشی شوروی و بلوک شرق و پایان جنگ سرد، به کمک نظریه پردازان و رسانه‌های خود سعی در گسترش اسلام هراسی و اسلام ستیزی در بین ملت آمریکا و در سطح جهانی بویژه حوزه کشورهای غربی دارد. دولت آمریکا از این سیاست خود که در سه دهه اخیر دنبال شده و در سالهای اخیر به اوج خود رسیده است، اهداف مختلفی را دنبال می‌کند از جمله حفظ و حمایت از موجودیت اسرائیل غاصب، اعمال فشار بر کشورهای مستقل اسلامی همانند ایران، داشتن بهانه و مستمسک جهت لشگر کشی و تجاوزات نظامی به کشورهای منطقه استراتژیک و نفت خیز خاورمیانه، حفظ تنش در سطح بین‌المللی و فروش تولیدات تسلیحات نظامی، ایجاد نگرانی در کشورهای حوزه نفوذ خود و حفظ و گسترش پایگاههای نظامی آمریکا، ترس از گسترش اسلام در اروپا و آمریکا و روی آوردن فطرت‌های سالم به دین خدا و ...

بدین ترتیب، شرایط بین‌المللی امروز ایجاب می‌نماید که ملت مسلمان و انقلابی ما وحدت

و انسجام خود را بیش از پیش حفظ نموده و بر حقوق حقه خود پافشاری نماید و همگام با مسئولین کشور در جهت قطع وابستگی‌ها و استقلال کامل اقتصادی، فرهنگی و حفظ هویت ایرانی اسلامی خود تلاش نماید. بدیهی است شما دانشجویان عزیز در این رسالت بزرگ دینی و ملی و حرکت انقلابی، نقش محوری دارید.

شاخص‌هایی برای ایستادگی

رسول ثنایی راد

هرگاه امکان استفاده از قدرت نرم با موانع و مشکلات جدی مواجه شود و یا کارایی لازم را نداشته باشد، دشمنان ترکیبی از قدرت نرم و قدرت سخت را مد نظر قرار می‌دهند تا نقص قدرت را جبران نماید. لذا ضمن استفاده از همان ابزار اصلی قدرت نرم یعنی تبلیغات و رسانه‌ها برای تاثیر گذاری بر افکار عمومی و یا گروه هدف، به تهدید نظامی و تحریم اقتصادی نیز روی می‌آورند تا فشار لازم را برای واداشتن حریف به تسلیم و یا تخریب و نابودی ایجاد نماید.

آنچه اخیراً از سوی آمریکا و متحدانش علیه جمهوری اسلامی ایران به اجرا گذاشته شده همان جنگ هوشمند است که ترکیبی از قدرت نرم و سخت را برای تاثیر گذاری بر اراده و تصمیم مسئولان و مردم کشورمان به کار گرفته است. در این مرحله ضمن آن که آمریکا و متحدانش به صدور قطعنامه 1929 پرداخته و اتحادیه‌ی اروپا تحریم‌هایی فراتر از قطعنامه را دنبال و برخی گروه‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی، مثل منافقین را از فهرست سیاه خود خارج و مورد حمایت قرار داده و یا کشورهایی مثل آلمان زمینه‌ی پذیرش فراریان فتنه‌ی رنگی را دنبال می‌کنند، در همان حال "کاترین اشتون" با ارسال نامه به آقای سعید جلیلی دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان از وی دعوت به مذاکره نموده و "فیلیپ کراولی" سخنگوی وزیر خارجه آمریکا نیز آمادگی دولت خود را برای شرکت در مذاکرات مربوط به تبادل سوخت

اعلام می‌دارد. در همین اثنا کنگره‌ی آمریکا با صدور بیانیه‌ی ای، موافقت خود با حمله‌ی نظامی صهیونیست‌ها علیه جمهوری اسلامی را اعلام می‌دارد که به ظاهر رفتاری آشفته و ضد و نقیض به نظر می‌آید.

همزمان با اقدامات دشمنان خارجی، علاوه بر اجرای عملیات انتحاری از سوی بازماندگان گروهک تروریستی عبدالملک ریگی در زاهدان و تقویت مواضع گروهک محارب و ضد انقلاب منافقین و پژاک در ارتفاعات قندیل در شمال عراق، موج حساب شده‌ی علیه سپاه و بسیج از سوی عوامل فتنه رقم می‌خورد و تلاش گسترده‌ی ای برای تبدیل برخی مطالبات صنفی و اجتماعی به اعتراضات اجتماعی پس از ناکامی در به راه انداختن خرداد داغ از سوی فتنه‌گران دنبال می‌شود. در همین حال برخی از فتنه‌گران با تظاهر به اعتدال و وفاداری به نظام و قانون اساسی و حتی برای واسطه قرار دادن برخی چهره‌های موجه برای بازگشت به درون نظام و واداشتن نظام به مصالحه و حتی امتیازگیری نیز تلاش می‌کنند.

مجموعه‌ی ای از این اقدامات و تلاش‌های متناقض را می‌توان طراحی نوعی جنگ هوشمند توسط دشمنان دانست که البته توسط اتاق‌های فرمان به داخل کشور نیز منتقل شده و در دو سطح داخلی و خارجی با هدف تاثیرگذاری بر ادراک و اراده‌ی مسئولان و مردم کشورمان دنبال می‌شود.

واقعیت این است که نه آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی و متحدان آنها در خارج از کشور آمادگی انجام یک اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی را دارند و نه فتنه‌گران داخلی از امکان آشوب و بلوای داخلی برخوردارند. اما در هر دو سطح به بروز گسست و اختلاف در درون نظام، امیدواری دوخته و به کارگر افتادن سیاست فشار از بیرون، شکاف از درون دل بسته‌اند. به عبارتی هم بیگانگان و هم فتنه‌گران داخلی که درگیری مستقیم با نظام را پرهزینه می‌بینند، در همان حال که تظاهر به مواضع تهاجمی و سخت می‌نمایند، تنها امیدشان به شکستن اراده‌ی ایستادگی و مقاومت در نظام و مردم است که در صورت اختلاف و شکاف بین مدافعان و

معتقدان به نظام امکان پذیر خواهد بود. لذا آنان هرگونه گسست و شکافی را که پدید آید، فرصتی برای چانه زنی و امتیازگیری تلقی می کنند و از دامن زدن به آن فروگذار نخواهند کرد .

در مقابل چنین توطئه ی پیچیده ای، دیده بان بیدار قافله ی انقلاب اسلامی نیز فرمان به وحدت و انسجام ملی داده است که مبتنی بر بصیرت نافذ و اطلاع از دسیسه های دشمن و توجه به شاخص های ولایت و انقلاب است، شاخص هایی که در مواضع و دیدگاه های حضرت امام (ره) انعکاس یافته، و بازخوانی دقیق و بدون کم و کاست مواضع آن عزیز سفر کرده را می طلبند. خلاصه این مواضع کلیدی را می توان در وصیت نامه الهی _ سیاسی آن پیر روشن ضمیر یافت که مطالعه و درونی سازی آن، تامین کننده ی چارچوب فکری و بصیرتی تمامی مدافعان انقلاب و نظام اسلامی، به ویژه بسیجیان به حساب می آید. با درونی شدن این مواضع و شاخص ها و داشتن ملاک و معیار تفکر و عمل معطوف به نگاه ولایت است که انسجام و وحدتی مستحکم و گسست ناپذیر بر مبنای اصول انقلاب و صراط مستقیم امام راحل (ره) پدید می آید که هیچ گونه فشار بیرونی و درونی بر آن کارگر نخواهد بود. به علاوه این شاخص ها و معیارها تعیین کننده ی مرز خودی از غیر خودی است که مجال سوء استفاده منحرفین از تابلوی انقلاب و خط امام راسلب نموده و حال فعلی آنان را ملاک هر ارزیابی قرار خواهد داد.

والسلام

بیانیهٔ کانون بسیج اساتید دانشگاه قم به مناسبت هتک حرمت قرآن کریم

انا لله و انا اليه راجعون

با کمال تأسف و تعجب، شاهدیم میراث پیامبران و معجزهٔ عصر ظهور توسط انسان هایی که مدعی رشد و کمال اند و خود را در قلهٔ شعور و ادراک می پندارند و در کشوری که خود را مهد علم و تمدن می داند، بی شرمانه و البته مزورانه هتک حرمت می شود.

آنان که از چندی پیش قرآن کریم را در آتش جهل و نفاق برخی مسلمان نماها انداخته اند، اینک خویشتن را در دامان ابلیس و این باارزش ترین سرمایهٔ بشری را آشکارا در آتش کینه و حماقت خویش افکنده اند. کینه ای از جنس کینهٔ بنی قریظه و بنی نظیر و عناد نجرانیان و قساوت صلیبیان و سپاهیان صهیون. پرده ای از نمایشی هولناک و دهشتبار که در این دوران به واسطهٔ عناصری پست و بی خرد و با پشتیبانی سران کفر و الحاد و رسانه های حيله گرشان به صحنه آورده شده؛ در بازی پیچیده ای که سال هاست در جریان است.

دشمنی که پس از تهاجم نرم و گستردهٔ فرهنگی به دنیای اسلام، چندی است در هماهنگی کامل با دولت هایی دست نشانده که خود بر ملت های مسلمان مسلط نموده است با هجوم به بلاد مسلمین و کشتار صدها هزار مسلمان، نبرد سخت خود را با دنیای اسلام آغاز کرده است، اینک در سایهٔ آسایش خیالی خویش به خود اجازه می دهد به

کانون دل های مسلمان اینچنین جسارت کند. این کوردلان در تلاش اند جلو نور خدا را بگیرند و حال آن که « و الله متم نوره و لو کره الکافرون ».

به راستی چه پیش آمده که قلبی صهیونیست پلید و اوباش آمریکایی به خود اجازه می دهند این گونه زخمی بر دل بیش از یک میلیارد مسلمان بنشانند. شکی نیست که جرأت بر این جسارت علاوه بر نبرد تبلیغاتی و زمینه سازی رسانه ای، ناشی از تفرقه ای است که به واسطه حکومت های دست نشانده و فاسد حاکم بر برخی کشورهای مسلمان در طول سالیان در بلاد مسلمین پایه گذاری شده است.

اینک وقت آن رسیده است که یکایک مسلمین با اتکال به نورانیت قرآن و تاسی به پیامبر اعظم (ص) و اهل بیت مطهرش (علیهم السلام) دست در دست یکدیگر همچون "طیر" ابابیل" با اتحاد تمام قوا بند کهنه استثمار و استعمار غرب را از سرزمین ها و باورهایشان بگسلند و برای خدا در برابر این مزوران تحت ولایت ابلیس و ابرهه زمان قیام کنند.

در پایان این مصیبت عظمی را به پیشگاه حضرت ولی عصر (عج)، نایب برحقش حضرت آیت الله خامنه ای، مراجع عظام و همه مسلمانان و آزادگان جهان تسلیت عرض می کنیم و تعجیل در ظهور امام عصر (عج) را از درگاه حضرت باری تعالی مسألت داریم.

کانون بسیج اساتید دانشگاه قم - 89/6/23